

❓ نکته قابل تأمل در نمایش دایره استفاده از بازیگر زن است که کاملاً ذهنیت مخاطب که تعزیه را یک شیوه اجرای مردانه می‌داند را به هم می‌ریزد. چه شد از بازیگر زن استفاده کردید.

؟ عنوان کردید نمایش یک کار کلاسی بود، چطور به یکباره به یک نمایش بزرگ تبدیل شد و در هشت شهر به طور همزمان روی صحنه رفت؟

خب، چون این نمایش تک نره است و آماده کردن آن یک ماه بیشتر زمان نمی‌برد، تصمیم گرفتیم بازیگر در شهرهای مختلف آن را روی صحنه ببرد اما بعد از مدتی طولانی و موسیقی و نور را تبدیل به فیلم کردیم و بعد دومین و عمل نورپردازی هم ثابت شد و بعد یک هفته به جاهای بعدی می‌رفتند. پروژکتور را فعال می‌کردند و اجرا شروع می‌شد. لذا کار سختی نداشتند، برای این‌که بازیگران شهرستانی نیز حمایتی شوند، در ارتباط با گروه‌های شهرستانی از آنها خواستیم یک بازیگر زن معرفی کنند. شهرهایی که از ما استقبال کردند و امکان اجرا داشتند بازیگر معرفی کردند و در نهایت حمیدیه به صورت همزمان در تهران، مشهد، کاشمر، تربت حیدریه، نیشابور، سرخس، گناباد و قوچان روی صحنه رفت.

از آنجایی که من در تهران ارتباط وسیعی ندارم در بحث روابط عمومی موفق نبودم اما کسانی که تا به امروز به سالن آوردم در پایان آن را یک نمایش جدید می‌دانند که قبل از این تجربه نکرده‌اند و دوم آن‌که فضاسازی‌هایی که با نور و موسیقی انجام دادیم برای مخاطب جذاب بود، یعنی کاملاً درگیر می‌شود و در لحظاتی واکنش نشان می‌دهد، مشارکت می‌کند... و ضمن آن‌که موسیقی خراسان به شدت در نمایش خوب کار کرد.

تصمیم می‌گیرد چه اتفاقی در صحنه می‌افتد و در پایان نیز مخاطب است که با ورود در دایره و شمع روشن کردن اختیاری، برای این داستان سوگواری می‌کند. در صحنه ما او را آزاد می‌گذاریم و از این جهت شگفت‌آور است که پایان نمایش معمولاً مخاطبی نیست که شمع روشن نکند، مگر آنها که می‌خواهند یادگیری را در نمایش ببینند.

یعنی باز به دلیلش ما روشن نمی‌کنند.

نمایش دیالوگ ندارد چون مردم قصه و دیالوگ‌ها را می‌دانند و ما نخاستیم به آن دست بزنیم. ما تصاویری را نشان می‌دهیم و مردم خودشان در ذهن قصه را می‌سازند. نمایش در سکوت مطلق است. یک بازیگر تئاتر بانو و موسیقی

تعزیه‌ای مدرن بایپایان باز

هستند. متأسفانه ما این قدر دنبال اجرای نمایشنامه‌های خارجی هستیم که نمایش‌های خودمان و ایجاد تحول و باز کردن آنها را فراموش کرده‌ایم. نه تعزیه می‌بینیم نه آن بررسی و تحلیل می‌کنیم. نه این‌که آن را نمی‌شناسیم؛ کاملاً می‌شناسیم اما کار نکردیم برای این‌که آن را به امروز نزدیک کنیم. باور کنید من پس از مطالعاتی که انجام دادم، احساس می‌کنم کمتر از ۲۰ درصد چیزی است که می‌شود روی تعزیه‌ی انجام داد، روی صحنه بردم و ۸۰ درصد هنوز جای کار داراییم و قابل توجه آن‌که شکلی که در نهایت به آن رسیدیم به ادعای دوستان و استادان قیلاً تجربه نشده و نمایشی با این فرمت ندیده اند یا اگر دیده اند به این شکل کامل ندیده‌اند. این نشان می‌دهد با کمی تامل روی آثار خودمان نشانی می‌توانیم از آنها را هم در ایران و هم جهان مطرح کنیم.

داستان نمایش دایره همان قصه تعزیه است
مخاطب در آن با سیر تحولات کربلا از زمان ورود
کاروان امام تا شهادت و خیمه سوزی و ... همراه
می شود و تفاوت فقط در شکل روایت هاست.

ایرانی است. رنگ‌ها بر اساس نمایش تعزیه همان کارکرد وجود دارند، نشانه‌ها هم نشانه‌های تعزیه است اما رفتار بازیگر بسان نمایش ایرانی است؛ یعنی مدام به داخل دایره می‌آید و از آن خارج می‌شود. اسم آن را نیز دایره گذاشتیم تا یک یادآوری و بر نمایش ایرانی وقایعیت آن باشد.

نمایش ما مدرن است؛ یعنی کارکردی چندگانه پیدا می‌کند. تعزیه است، نه نمایش ایرانی به شمار می‌رود و نه نمایش مدرن محسوب می‌شود بلکه مجموعه‌ای از آنهاست.

هست که به شدت به در نمایش‌های امروزی می‌خورد. من نیز از همین زاویه به تعزیه وارد شدم. گفتیم تعزیه چه چیزی دارد که به در جامعه امروز بخورد. به رنگ‌هایی رسیدم که هم در طول زمان برای مخاطب ایرانی دارای مفهوم شدند و هم این‌که نشانه‌گذاری ما را به همان جایی که می‌خواهیم می‌برد. می‌فهمند این به عنوان یک گونه نمایش‌بانه‌ای باید حفظ و دیده و بررسی شود. البته نباید به آن دست زد اما برای امروز چه؟ قرار است تعزیه فراموش شود؟ واقعیت ما چرا این است که تعزیه فاصله معناداری با مخاطب امروزی دارد. آن فاصله اجازه نمی‌دهد مخاطب امروز تعزیه ببیند. یکی از چیزهایی که در تعزیه احساس می‌کند وجود دارد لحن و شکل روایت است. لحن و شکلی که هم قابل پیش‌بینی است و هم برای مخاطب تکراری است. باید بی‌دیرم تعزیه برای نسل جدید جذاب نیست؛ چون حتی در حفظ آن به عنوان یک شکل نمایشی



هم تلاش خاصی نکردیم.
من این لحن را عوض کردم
و برای این‌که تجربه کنم آیا
مخاطب امروز با آن ارتباط
می‌گیرد، اجرا کردم و دیدم
ارتباط خیلی خوبی گرفت. یعنی
نمایش طوری به آدم‌ها نزدیک
می‌شود که آخر نمایش
بدون آن‌که بخواهند،
در دل نمایش و
ما اجرا

بله، مخاطبان مشهدی مرا بیشتر به عنوان بازیگر می شناسند و اولین و آخرین کارگردانی من نمایش پایان بدون نقطه در سال ۹۱ بود که در آن سال‌ها مخاطبان زیادی را به سالن کشاند. بعد از آن تصمیم گرفتم به حوزه نمایشنامه‌نویسی نیز ورود کنم و پس از طی دوره‌های نمایشنامه‌نویسی نزد استاد محض چمرشیر به نوشتن روی آوردم و چند نمایشنامه مثل «مضامین استعماری» به نامم، داستان یک خانواده آبرومند و... درباره همکاری تعدادی از کارگردانان روی صحنه بردم. نمایش‌هایم در حقیقت خروجی یک کار دانشگاهی است. من در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنم، سراسل درس کارگردانی پیشرفته به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که چه اتفاقی در کشورهای‌های غربی می افتد که از نمایش‌های سنتی شرقی استفاده می کنند و کار جدید به وجود می آورد اما ما در کشور خودمان نمی‌توانیم این کار را بکنیم و این جرقه نمایش دایره بود که از دل تعریبه و نمایش این‌ها بیرون آمد.

در حقیقت جرقه اصلی این نمایش در پاسخ به سؤال استاد داود بنی اردلان زده شد. من برای رسیدن به پاسخ، ابتدا تعزیه را مطالعه کردم. در تعزیه کارکرد نشانه‌ای رنگ‌ها برایم جذاب شد. بعد از آن نمایش ایرانی را بررسی کردم و حرکت بازیگر در این نمایش را از دل آن گرفتم. ترکیب این دو با هم به اضافه موسیقی خطه خودم خراسان نمایشی شد که تحت نام دایره شکل گرفت.

۴ چرا فکر کردید با تلفیق نمایش ایرانی و تعزیه می‌توانید نمایشی مخاطب‌پسند برای جامعه امروزی که شاید دیگر علاقه زیادی به این شیوه‌های اجرا ندارد،



همایش تأثیر مردمی پیاده روی اربعین

هفتمین همایش بین‌المللی ناتان مردمی
پیاپی دهمی از اردیبهشت تا شهریور ماه
۱۳۸۵ در شهر روماد در دو کشور ایران و عراق
برگزار شود و علاقه‌مندان می‌توانند
فیلم آثار خود را در قالب نمایش، تعزیه
(شبه‌خوانی)، نمایش موزیکال، نقالی،
رودخانه، نمایش خیابانی، شعرخوانی،
شعر خوانی و ... تا ۲۵ مرداد به دبیرخانه
این رویداد در حوزه هنری استان خوزستان
ارسال کنند. بخش ایران این همایش
از ۳۰ مرداد (۴ مهر) تا ۱۳ شهریور (۱۸
مهر) در مرزهای شلمچه، چابیه، مهراو
خسروی برگزار خواهد شد و بخش عراق این
رویداد از ۵ شهریور (۱۰ مهر) تا ۱۵ شهریور
(۲۰ مهر) برگزار می‌شود.

برخورد با انتشار تیزر بدون مجوز یک نمایش

شورای ارزشیابی و نظارت بر نمایش اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیانیه‌ای تأکید کرد: انتشار بدون مجوز تیزر تبلیغاتی نمایش «خانوم» در فضای مجازی که حتی ارتباطی با محتوا و شیوه اجرایی این اثر هم ندارد، در حال پیگیری است و با عوامل این اقدام

وه اجرایی نمایش خانوم، به کارگردانی تیما بخشی است، بدون انجام فرایند صدور مجوز کلیپ‌های ش. اقدام به پخش تیزری در فضای مجازی کرده است. شیوه و محتوای اجرای این اثر ندارد و حتی نمایش خانوم نیستند.

ارامه بیانیته خود تاکید کرده: کارگردان تهیه‌کننده شورا، فرارخوانده شده‌اند و این تخلف تا رسیدگی و

بر خورد قانونی می شود.

در بخشی از این بیانیه آمده است: گروه اجرایی نمایش خانوم، به کارگردانی تبنا بخشی که در سالن شهزاد تهران روی صحنه است، بدون انجام فرآیند صدور مجوز کلیپ‌های تبلیغاتی توسط شورای نظارت بر نمایش، اقدام به پخش تیزری در فضای مجازی کرده و محتوای آن هیچ ارتباط و شباهتی با متن، شیوه و محتوای اجرای این اثر ندارد و حتی ناگزیر از کلیک منتشر شده نذا؛ عامان، نمایش، خامنه‌نستند.

شورای ارشیایی و نظارت بر نمایش، در ادامه بیانیه خود تاکید کرد: کارگردان و تهیه‌کننده نمایش خانوم برای پاسخگویی به این شورا فراخوانده شده‌اند و این تخلف تا رسیدگی و برخورد قانونی با آن، پیگیری می‌شود.

تئاتر دوباره به باغ کتاب آمد

دربیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب از شامگاه
(مرداب با اجرای نمایش های «سندروم روسمر»
«لطیفه ها و همیشه» و در جدید اجرای تئاتر
خود را آغاز کرد. نمایش لطیفه ها و همیشه به
پرویندگی و کارگردانی میلا هاشمی است که بر
دریچه جیتی پیرزاده، شیوا فلاچی، نیلوفر فردی
و محسن درسان «کژدانه» اجراهای خود، در خلاصه
است: «همه رجهای رو که نگاه می کنم هست، از
«اکس» این مجموعه تئاتری و موسیقایی میزبان
طراحی و کارگردانی داوود زارع است که بر اساس
ایپسین شکل گرفته است. در این اثر تئاتریشی که
آفری، سعید چنگیزیان، اصغر پیران، ایمان صباد
پی بردانند. در خلاصه داستان «سندروم روسمر»
متمدد شهر یکسال پس از کودکی همسرش به
می کند: تا این که با او در کنتر کرول حقایق تازه ای

باغ خواب تهران
رصد ساز و موسیقی
THEATER & MUSIC HALL
CORE CAFE

داستان لحظه‌ها و همیشه چنپن سالر لحظه گذشته» «همچنین سالر نمایش «سندروم روسمر» به نوین نمایشنامه «روسمر زهلم» نوشت ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه اجرا می شود. برهانی و امین اسفندیار به ایفا چنپن آمده است: «یان روسمر که همراه ریکا وست در عمارت روسمر درباره گذشته آشکار می شود».